

گویند کسان بهشت با حور خوش است
من میگویم که آب انگور خوش است
این نقد بگیر و دست از آن نسیه بدار
گاواز دهل شنیدن از دور خوش است.
*آ

دوری که در آمدن و رفتن ماست
اورا نه نهایت نه بدایت پیدا است
کس می نزند می در این معنی راست
کاین آمدن از کجا و رفتن ز کجاست!
*آ

اسرار ازل را نه تو دانی و نه من
وین حرف معما نه تو دانی و نه من
هست از پس پرده گفتگوی من و تو
چون پرده بر افتد، نه تو مانی و نه من.
*آ

یک چند به کودکی به استاد شدیم
یک چند ز استادی خود شاد شدیم
پایان سخن شنو که مارا چه رسید
چون آب برآمدیم و چون باد شدیم.
*آ

عمر خیّام